

فرشید جهان تاب توان جانب صبح  
سینه ماهه یا کنگره زویش چه بی طعنه

یا ماه جهان گرد من از جانب شام  
یا بیغ جهان طو لایخی لیم می شام یا نینده

و این رباعی دیگر در رقعته دیگر **رباعی**  
و بود باغی و غنچه دقعه

این نامه نامتو دافع در دست نیست  
و نام نام و کله نبع و دویغ و نولید جیر

ارام درون و ریخ پرورد نیست  
نیم ایچک دل ایچک در غنچه نبع و بیجیر

تسکین دل غم و دم سرد نیست  
نیم زنی و کله کبیر و فووق ایچک کبیر

بغیر خبر آن ماه جهان کورد نیست  
بغیر خبر و نبع جهان طو لایخی لیمده

و این رباعی دیگر در رقعته دیگر **رباعی**  
و بود باغی و غنچه دقعه

گردم دیرم بکفت و کویت باشم  
ز کعبه تا می سکر سوزن اولورم

و در حرم بخت و حویت باشم  
ز کعبه تا می سکر سوزن اولورم

در وقت حضور رو برویت باشم  
صغور وقت بودم سکر سوزن اولور

در غیبت

در غیبت نیز دل بسویت باشم **روضه هشتم**  
غایبه و چه کولم سکر یا نیکه اولور

در حکایت چندان از زبان احوال بی زبانان که فرامندان  
نچسک حکایت در میله و نیلانه که اولور و نینده

و نکته دانان امثالان وضع کردند تا بخت غایت و ندرت  
و نکته بلوغ اکثر مثالین و نولید و نولید تا غایت همیشه و غنچه طبیعت

طبیعت بران اقبال نماید و روی اجواب فهم حکم و مصالح  
نزدتیه اکثر نوزده لفته کولتله و کولتله نوزده حکم که نیمی در مصالح نولید

بگشاید **قطعه** آن زدی که خزه دان سکن  
لایه کوردنم که نوب بلغم شکر

داری نلیخ را کند شیرین تا بان حیلده از تن دجور  
لایه و لایه طله لایه ناله حیلده لایه فستق نینده

ببر در رخ و بخت دیرین **حکایت** رو باهی با کرب  
ایچک قدیمی دینجه کینت

در مصادقت می زد و قدم موافقت می نهاد با یکدیگر  
و کله و منبر اولور و غنچه موافقت با غنچه قویغ بر بیله

بیان می بکنند در استوار و دیوار پر خار گرد آن  
بیان اولور و نیکه نوسه کیم لایه و دیوار و کله و کله لایه و نینده

گردیدند تا بسوی می رسیدند بر رویه فرخ و بر کرک  
چولده پاک نایه کله لایه نینده و کله و کله لایه و کله و کله

تنک رویه آسان در آمد و کرک بر حمت فراوان انکوهای  
طار کله کله ایچک و کله و کله و کله لایه و کله و کله اولور